

What and how to teach the language of the Quran (A kind of critique on the design and theory of Quranic language teaching by Dr. Mohammad Ali Lisani)

(Received: 2022-01-30 Accepted: 2022-04-04)

Khalil Parvini¹

Abstract

The Holy Quran as a linguistic phenomenon along with divine purposes has always been considered from various aspects, including how it is taught. Nowadays, it is of special importance to formulate the basics of curriculum planning of schools and university centers and to prepare teaching models and evaluation methods. The problem of research is that most schools and centers for teaching the Qur'an do not have a theoretical and practical plan based on theories of language teaching in terms of the basics of curriculum planning and teaching models and evaluation methods, and most of the efforts are based on taste. It has been the taste, experience and imitation of others. In the meantime, it seems that the plan of teaching the language of the Qur'an by Dr. Mohammad Ali Lisani Fesharaki, following the example of the good tradition of the Holy Prophet in teaching the Qur'an and having an eye on theories of language teaching and educational psychology, seeks to change the teaching of the Qur'an in the country. By reading this book carefully and by studying the articles written in its review and by looking at the new theories of language teaching, Raqam has reviewed and criticized it in order to help eliminate some of its shortcomings, its importance and position. Warn in teaching the language of the Qur'an and offer the solution that the teaching of the Qur'an in the present time, in addition to the use of Qur'anic scholars, should train specialists in language teaching, linguistics and psychology. **Keywords:** language teaching, language teaching theories, teaching patterns, Quranic language teaching, Dr. Lisani.

سال پنجم

شماره اول

بیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰

1) Professor of Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran Mail: parvini@modares.ac.ir





DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.1.1.1

چیستی و چگونگی آموزش زبان قرآن (نقدگونه‌ای بر طرح و نظریه آموزش زبان قرآن دکتر محمدعلی لسانی)

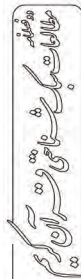
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰)

خلیل پروینی^۱

چکیده

قرآن کریم به عنوان یک پدیده زبانی در کنار مقاصد الهی همواره از جنبه‌های مختلف از جمله نحوه آموزش آن مورد توجه بوده است. امروزه تدوین مبانی برنامه‌ریزی درسی مدارس و مراکز دانشگاهی و تهیه الگوهای تدریس و شیوه‌های ارزشیابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئله‌ی تحقیق این است که اکثر مدارس و مراکز آموزش قرآن از لحاظ مبانی برنامه‌ریزی درسی و تهیه الگوهای تدریس و شیوه‌های ارزشیابی، طرح نظری و کاربردی مبتنی بر نظریات آموزش زبان ندارند و اغلب تلاش‌های صورت گرفته مبتنی بر ذوق، سلیقه، تجربه و تقلید از دیگران بوده است. در این میان به نظر می‌رسد طرح آموزش زبان قرآن استاد دکتر محمدعلی لسانی فشارکی با الگوگیری از سنت حسنه پیامبر اکرم در آموزش قرآن و با داشتن گوشه چشمی به نظریات آموزش زبان و روان‌شناسی تربیتی به دنبال ایجاد تحول در آموزش قرآن در کشور می‌باشد. راقم این سطور با مطالعه دقیق این کتاب و با مطالعه مقالات نوشته شده در نقد و بررسی آن و با نگاهی بر نظریات جدید آموزش زبان به بررسی و نقد آن پرداخته است تا ضمن کمک به برطرف کردن برخی کاستی‌های آن، اهمیت و جایگاه آن را در آموزش زبان قرآن گوشزد کند و این راهکار را ارائه دهد که آموزش قرآن در دوران کنونی باید در کنار استفاده از قرآن پژوهان باید از متخصصان آموزش زبان، زبان‌شناسی و روان‌شناسی تربیتی کند.

واژگان کلیدی: آموزش زبان، نظریات آموزش زبان، الگوهای تدریس، آموزش زبان قرآن، دکتر لسانی.



سال پنجم
شماره اول
پیاپی: ۸
بهار و تابستان
۱۴۰۰

(۱) استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ایمیل: parvini@modares.ac.ir



قبل از آنکه درباره چستی و چگونگی آموزش زبان قرآن سخن بگوییم لازم است به طور بسیار اجمال درباره زبان قرآن سخن گفته شود. درباره ماهیت زبان عربی قرآن از گذشته تاکنون دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متناقضی گفته شده است: زبان عرف عام، زبان عرف خاص، زبان نمادین، زبان فطرت، زبان جهانی، زبان گفتاری، تاریخمندی، زبان فرهنگ زمانه، زبان پیامبر، ترجمه پیامبر و نظرات دیگر. برخی از این دیدگاه‌ها مربوط به دوران جدید و نتیجه علم گرای و تجربه زدگی است که استنباط آن از آیات و روایات اگر نگویم محال است بسار سخت و صعب است. به هر حال آنچه بالاجمال درباره زبان قرآن می‌توان گفت و از آن دفاع کرد این است که زبان قرآن با هیچ یک از زبان‌های متعارف علمی، عرفی، رمزی و تمثیلی و ... متشابه نیست و در قالب هیچ کدام از زبان‌های بشری قرار نمی‌گیرد، بلکه قرآن از نظر سبک و شیوه سخن، ساختار سوره‌ها، چینش آیات و نظم آهنگ، روش ممتاز و بی‌مانندی دارد که چنین زبانی تنها می‌تواند با اراده الهی سامان یافته باشد. به عبارت دیگر، قرآن زبانی دارد که الگوی آن از وحی گرفته شده و ساختار آن مخصوص خود آن است. از آنجا که «دیندارای، ابعاد گوناگون عقیدتی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، تربیتی، آیینی و ... دارد، متن قرآن نیز به تناسب هر بعد و موضوعی، از زبان‌های گوناگون (صریح، کنایه، رمز، استعاره، قصه و ...) بهره جسته است و البته میان همه این ابعاد و اجزا، از نظر زبانی، پیوندی منظم و رابطه‌ای ویژه برقرار است که با آن می‌توان جهان‌بینی دینی [حاکم بر متن] را به دست آورد. بر این اساس، بیانات قرآن نیز ترکیبی از اخبار و انشاء، حقیقت و مجاز، رمز و تمثیل، کنایه و استعاره و ... می‌باشد.

بنابراین قرآن دارای زبانی خاص همچون زبان عرفی یا رمزی و جز آن نیست، بلکه دارای ساختاری است که تمام انواع زبان را به صورت تلفیقی و به تناسب سطح مخاطبان و افق فهم آنان، نوع مفاهیم و آموزه‌ها، اهداف و مقاصد الهی در آیات و سوره‌های گوناگون به نحو شگفت‌انگیزی به کار گرفته است. زبان قرآن، زبانی چند ساحتی است؛ زیرا قرآن کتاب هدایت است و به همه شؤون آدمی، که با هدایت او مرتبط است، می‌پردازد. از این رو، در ساحت‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، عقلانی و عاطفی، و مادی و معنوی انسان وارد شده و با آدمی سخن گفته است. اقتضای رسیدن به این مقصود، استفاده از سبک‌های متنوع و شیوه‌های گوناگون بیانی (سبک تصریف سخن) بوده که قرآن به نحو عالی و شگفت‌انگیز از عهده چنین کاری برآمده است. قرآن اسم این زبان را لسان عربی مبین می‌نامد چون مبین و روشن‌نگر است پس لازمه آن قابل فهم بودن آن بر همگان است اینجاست که برخی از مفسران مانند سید قطب و آیت‌الله جوادی آملی، این زبان را زبان جهانی فطرت می‌نامند. در تفسیر تسنیم می‌خوانیم: در فهم معارف قرآن کریم نه بهره‌مندی از فرهنگی خاص شرط است، تا بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن

ویژه‌ای مانع، تا انسان‌ها با داشتن آن مدنیت مخصوص از لطایف قرآنی محروم باشند و یگانه‌زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده بشری است، زبان فطرت است که فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار است و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره‌مند است و هیچ فردی نمی‌تواند بهانه بیگانگی با آن را در سر پیرواند و دست تطاول تاریخ به دامان پاک و پایه‌های استوار آن نمی‌رسد که خدای فطرت آفرین آن را از هر گزندی مصون داشته است :

فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم.
 (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲/۱ و ۳۳)

در تفسیر فی ظلال القرآن هم سید قطب زبان قرآن را زبان فطرت می‌داند، از مجموعه گفتار ایشان چنین استنباط می‌شود: اول اینکه انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و هدایت، نیازمند برنامه‌ای مدون بوده که از هر حیث کامل باشد. دوم؛ تنها کسی می‌تواند این برنامه را در اختیار آنها قرار دهد که از حقایق درونی و بیرونی‌شان آگاه بوده و به عبارتی، بر زندگی آنها احاطه و دانش کافی داشته باشد. از طرفی برنامه ارائه شده باید فراگیر و برای تمامی انسان‌ها در هر مکان و زمان و با هر زبان و گویش و... باشد به صورتی که هر کسی بر اساس نیاز خویش از آن بهره‌گیرد. در نتیجه این قوانین باید با ادبیاتی نازل شود که انسان‌های مختلف را براساس نقطه مشترکی که در آنها وجود دارد مخاطب قرار داده به گونه‌ای که قابل فهم باشد، و این نقطه و زبان مشترک میان همه انسان‌ها (فطرت) است که خداوند حکیم، تدوین‌کننده قوانین هستی و سعادت بشری، قرآن را به عنوان برنامه و چراغ راه بر مبنای فطرت فرو فرستاده و با این زبان، انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. (قطب سید، فی ظلال القرآن، جلدهای مختلف)

حال ما برای آموزش قرآن با چنین زبانی سر و کار داریم که باید متناسب با آن ساز و کاری برای آموزش آن اندیشیده شود. در زمینه آموزش قرآن کریم، از دیرباز کتب متعددی به رشته تحریر درآمده است. دکتر کریم دولتی فهرست تقریبا کاملی از تمام آثار نوشته شده در دوران معاصر درباره آموزش زبان قرآن را تحت عنوان منابع مکتوب آموزش قرآن کریم تا پایان سال ۱۳۸۹ به صورت موضوعی گرد آورده است که نشان دهنده میزان اهتمام به آموزش قرآن و نیز نوع و نحوه آن می‌باشد. در این میان به نظر می‌رسد طرح و نظریه استاد لسانی فشارکی که عمری را در آموزش زبان قرآن سپری کرده است با بقیه کاملا متفاوت است چرا که ایشان بر خلاف دیگران آموزش زبان قرآن را مبنای کار خود قرار داده است. صاحب این سطور که توفیق شاگردی در محضر دکتر لسانی را داشته و از خوش ذوقی‌ها و خوش فکری‌های ایشان بهره‌های فراوان برده است و کتاب آموزش زبان قرآن ایشان را چندین بار از اول تا آخر به دقت خوانده و حتی در یکی از دروس رشته تازه تاسیس آموزش زبان عربی آن را تدریس کرده است ضروری دید درباره این اثر نغز پر مغز مطالبی

را بیان کند که اغلب قریب به اتفاق این مطالب در تایید کلیت آن است و اندکی درباره کاستی‌های محتمل آن.

۱-۱- معرفی کتاب و بیان ویژگی‌ها و مبانی نظری آن

دکتر لسانی در گفت‌وگویی با نشریه گلستان قرآن در معرفی طرح و کتاب خود می‌گوید: طرح جامع آموزش قرآن، طرحی است روزآمد با آرایه‌ای نوین و جان‌مایه‌ای کهن که آرمان و فراخوان آن بازنگری محققانه و تجدید نظر عالمانه نسبت به روش‌ها و شیوه‌های تعلیم و ترویج قرآن کریم در جوانان اسلامی است. این طرح، بدون آنکه خواهان توقف فعالیت‌های قرآنی رایج در جهان اسلام باشد، در پی بازگشودن راهی است که پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین و کبار صحابه و خیار تابعین روشنگر آن بوده‌اند و همچنان در عصر حاضر مهم‌ترین الگو و اسوه حسنه برای مسلمانان جهان در امور مربوط به تبلیغ و ترویج و تعلیم قرآن کریم خواهد بود. مسئله تحقیق در طرح جامع آموزش زبان قرآن این است که روش‌ها و شیوه‌های رایج آموزش و ترویج قرآن کریم کارایی لازم را ندارند و در خور شان قرآن کریم نیستند و تنها راه جبران این نارسایی‌ها، بازگشت به اسوه حسنه رسول خدا (ص) و کنار گذاشتن سلیقه‌ها و روش‌ها و شیوه‌های ابداعی غیرمستند به کتاب و سنت و عقل و اجماع خواهد بود.

سوالات اصلی تحقیق عبارتند از:

۱- آیا جزئیات روش‌ها و شیوه‌های مربوط به آموزش و ترویج قرآن کریم، در قرآن و حدیث بیان و تبیین شده است؟

۲- آیا این روش‌ها و شیوه‌های بیان شده در کتب حدیث و سیره، محفوظ مانده و به دست ما رسیده است؟

۳- آیا این روش‌ها و شیوه‌های مربوط به ۱۴ قرن پیش امروز نیز می‌توانند به کار گرفته شوند؟

فرضیات تحقیق عبارتند از:

۱- تمامی جزئیات مربوط به روش‌ها و شیوه‌های آموزش و ترویج قرآن کریم در بیان قرآن و قول و فعل و تقریر حضرت رسول اکرم (ص) و امامان اهل بیت (ع) و صحابه و تابعین به طور کامل بیان و تبیین شده است.

۲- تمامی جزئیات این روش‌ها و شیوه‌های بیان شده در قرآن و حدیث همراه با نظرات و توضیحات روشنگر و راهگشای مفسران و محدثان، محفوظ مانده و به دست ما رسیده است.

۳- همان روش‌ها و شیوه‌های عهد رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و دوران صحابه و تابعین امروزه نیز پس از گذشت متجاوز از ۱۴ قرن همچنان قابل کارگیری و مطابق با

موازی‌ن عقلی و عرفی و مبانی علمی و نظری و مورد تایید متخصصان حوزه‌های مختلف دانش بشری است.

با توجه به سوالات و فرضیات مذکور، طرح جامع آموزش زبان قرآن، طی این سالیان به دنبال دستیابی به روش جامعی برای آموزش و ترویج قرآن بوده است که دست کم هفت ویژگی ذیل را داشته باشد و مدعی است که عملاً به آن دست یافته است:

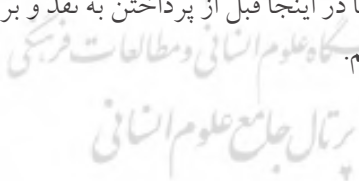
- ۱- برای اهل همه زبان‌ها و همه خط‌ها و همه نژادها در سراسر جهان یکسان باشد.
- ۲- برای گروه‌های سنی مختلف و برای بی‌سواد و باسواد یکسان باشد.
- ۳- به کتاب درسی و جزوه آموزشی بیرون از قرآن موقوف و مشروط نباشد.
- ۴- کلاس‌بندی و مرحله‌بندی و مقاطع مشخص آموزشی با رهاوردهای تعریف شده (ترمیک) باشد.

۵- حجیت شرعی داشته باشد.

۶- مقبولیت عرفی داشته باشد.

۷- با سلیقه‌ها و نظرات افراد مختلف و تحت تاثیر محیط‌های اجتماعی و جوامع زبانی مختلف، متفاوت نگردد. (بر گرفته از سایت کتابخانه دیجیتال تبیان) دکتر لسانی علاوه بر مطالب فوق، در کتاب آموزش زبان قرآن (درسنامه، کتاب معلم، طرح درس و خود آموز) به طور تفصیلی ویژگی‌ها و مبانی نظری و شیوه تدریس خود را توضیح می‌دهد.

این کتاب که در حقیقت گزارش علمی از طرح جامع آموزش زبان قرآن می‌باشد در دو فصل، یک مقدمه و یک خاتمه نگاشته شده است گویای تمام ویژگی‌ها، مبانی نظری، روش تدریس و نتایج آن می‌باشد ما در اینجا قبل از پرداختن به نقد و بررسی طرح و نظریه یادشده به معرفی کامل آن می‌پردازیم.



۲- بحث و بررسی

۲-۱- فصل اول کتاب تحت عنوان: اصول و مبانی آموزش زبان قرآن

در دوره آموزشی حاضر، نه روخوانی، نه تجوید و نه مسابقه هیچ کدام نیست. بلکه کار ما عنوان «آموزش زبان قرآن» را داراست. حوزه اصلی و جایگاه قرآن و آموزش آن آموزش یک «زبان» است که طبعاً با هیچ کدام از آن حوزه‌های دیگر نباید خلط گردد. سنت و سیره مرضیه پیامبر اکرم و ائمه اطهار و صحابه کبار همواره در صدد تبیین و تثبیت همین امر بوده است که آموزش قرآن آموزش یک زبان است و در مسیر آموزش قرآن فقط این را می‌خواسته‌اند که بتوانند این زبان را بیاموزند و آموزش دهند. چیزهای دیگری هم اگر وجود داشته است به گونه‌ای بوده است که با آموزش قرآن خلط نمی‌شده و

می‌توانسته است وجود داشته یا نداشته باشد. در عین حال، ارتباط اصولی این حوزه «تعلیم قرآن» یعنی «آموزش زبان قرآن» با حوزه‌های دیگر این است که هرگاه ما «زبان قرآن» را آموختیم و آموزش ما به اتمام رسید، اگر خواستیم قسمتی از قرآن را با تجوید هم بخوانیم می‌شود مثلاً تجوید را نیز فرا گرفت و با تجوید خواند؛ یا اگر خواستیم قسمتی از قرآن آموزش یافته را با صوت و لحن خاصی بخوانیم به همین شکل، که البته جایگاه تمام این کارها بعد از یادگیری زبان قرآن است و قبل از آموزش خود قرآن یا زبان قرآن به هیچ چیز دیگر نباید پردازیم. در کار آموزش قرآن کریم و فراگیری زبان قرآن از هر جهت خود را محدود به قرآن می‌نماییم و از خارج از قرآن هیچ عنصر بیگانه‌ای را به محدوده تعلیم قرآن وارد نمی‌سازیم.

۱-۱-۲- متن درسی زبان قرآن (۶۵ سوره آخر قرآن کریم از سوره قاف تا سوره ناس هفتمین حزب قرآن کریم است که همان «حزب مفصل» می‌باشد و «متن درسی آموزش زبان قرآن» است.)

۲-۱-۲- روش تدریس و شیوه کلاس‌داری (روش کار چنین است که از سوره ناس آموزش قرآن کریم آغاز می‌شود و سوره به سوره دنبال می‌شود تا به سوره قاف ختم می‌گردد. نکته مهم دیگری که درباره روش آموزش باید گفت این است که همان‌طور که قرائت پیامبر اکرم را چنین تعریف کرده‌اند: «کانت قراءته قراءه مفسره حرفاً حرفاً» تعلیم قرآن و تمرین تکرار آیات قرآنی بدون صوت و لحن، با صدای بلند و شمرده و روشن باید انجام بشود. نکته مهم دیگر این است که شیوه آموزش قرآن «سمعی-کلامی» (گوشی-زبانی) است و به هیچ وجه در ابتدای تعلیم از «بصر» (چشم) استفاده نمی‌شود.)

۲-۱-۳- کلاس‌بندی و تقسیم‌بندی مراحل آموزش

این دوره آموزشی به پنج مقطع تقسیم می‌گردد. به ترتیب ذیل: مقطع اول: ۲۲ سوره آخر قرآن کریم، از سوره ناس تا سوره ضحی؛ مقطع دوم: ۱۵ سوره پیش از آنها در ترتیب تلاوت، از سوره لیل تا سوره نبأ؛ مقطع سوم: ۱۱ سوره پیش از آنها در ترتیب تلاوت، از سوره مرسلات تا سوره ملک؛ مقطع چهارم: ۹ سوره پیش از آنها در ترتیب تلاوت، از سوره تحریم تا سوره مجادله؛ مقطع پنجم: ۸ سوره پیش از آنها در ترتیب تلاوت، از سوره حدید تا سوره قاف.

۲-۱-۴- یادآوری‌های مهم به معلّمان قرآن:

۱. (مبنای طرح جامع تعلیم قرآن، قرائت و استماع و تکرار آیات قرآن است.)
۲. (مربی قرآن از انواع شیوه‌های تکرار و تمرین آیات و سوره‌های قرآنی مانند: مقارنه،

تلاوت دسته جمعی، تلاوت زنجیره‌ای، تلاوت گروهی و... در جهت تکرار تلاوت هرچه بیشتر آیات و سوره‌ها استفاده می‌کند.

۳. «تکلیف» به هیچ وجه برای قرآن آموزان تعیین نمی‌شود؛ ۴. مطابق دستور الهی (ولا تعجل بالقرآن) در مورد آموزش قرآن عجله به هیچ وجه جایز نیست و آنچه مهم است همواره کیفیت کار است نه کمیت کار.

۲-۱-۵- نتایج آموزشی - پرورشی طرح

(یکی از نکات مهم در آموزش قرآن تواضع متعلم است. باید عبد شد تا قرآن را بشود آموخت.)

۲-۱-۶- جایگاه «کتاب» در آموزش «قرآن»

(اساس آموزش قرآن در الگوی اسوه حسنه از طریق گوش و زبان است.)

۲-۱-۷- حریم استفاده از نسخه مکتوب قرآن

(بی‌سواد و باسواد هرگاه بخواهند از نسخه مکتوب استفاده کنند راه باز است، ولی نه از ابتدای کار تعلیم قرآن. جایگاه استفاده از نسخه مکتوب بعد از تعلیم ۱۸ سوره آخر قرآن کریم است که قرآن آموز به سوره علق رسیده است، چنانکه اول این سوره با کلمه «اقرأ» آغاز می‌شود.)

۲-۱-۸- تصحیح اشتباهات قرآن آموزان

(نکته مهمی که در این نظام جاری و ساری است این است که به هیچ وجه اشتباه قرآن آموزان به طور مستقیم و رودررو تصحیح نمی‌گردد بلکه عملاً معلم برای قرآن آموزان الگوی صحیح خواندن می‌باشد و قرآن آموزان در اثر تکرار و تمرین و استماع از الگوی صحیح (معلم) به تدریج و خود به خود به اشتباهاتشان پی می‌برند و آنها را تصحیح می‌کنند.)

۲-۱-۹- انعطاف پذیری کمیّت در نظام تعلیم قرآن

(کمیت آموزش وابسته به حال قرآن آموز است. دقت در حال متعلم جزء انجام شود. پس اگر کسی خواست وظایف معلم است، تا (وینسرک لیسری) چند هفته یا چند ماه بر روی یک سوره بماند اصلاً مانعی ندارد، بلکه عین پیشرفت است؛ چرا که در زبان شناسی هم می‌گویند جملات همه نماینده یکدیگر هستند. همان‌گونه که اگر کسی دو هزار جمله پایه را یاد بگیرد، یک زبان را یاد گرفته است.)

۲-۱-۱۰- تعیین تکلیف برای قرآن آموزان

معلم قرآن در الگوی اسوه حسنه تعلیم قرآن، به هیچ وجه به قرآن آموزان تکلیفی نمی‌دهد. اصولاً معلم کارآمد تکلیف نمی‌دهد، بلکه آموزش او به گونه‌ای است که خود به خود تمرین انجام می‌شود. در نتیجه، دلپذیری آموزش از بین نمی‌رود و رابطه خاص عاطفی بین معلم و متعلم هم به نحو احسن حفظ می‌گردد.

۲-۱-۱۱- شیوه تلاوت قرآن در مقام آموزش

در این مورد باید گفته شود: هر چیزی که در آموزش قرآن به متن قرآن اضافه گردد، مضرات خود را به همراه دارد. حال، این چیزی که اضافه می‌گردد صوت خاصی باشد، آهنگ مخصوصی باشد، یا حتی وصل کردن کلمات به یکدیگر باشد به گونه‌ای که در زبان عربی معمول است، بلکه باید آیات را ساده، بی‌پیرایه، شمرده شمرده و بدون اتصال کلمات به یکدیگر تلاوت نمود؛ به این صورت: اِن / علینا / للهْدی، نه به این صورت: اِنْعَلینا للهْدی.

۲-۱-۱۲- اصالت کیفیت در تعلیم زبان قرآن

در دوره آموزش قرآن مطابق الگوی اسوه حسنه اصالت با صحت و استواری آموزش است. بنابراین، کمیت اصالت ندارد و این کیفیت است که همیشه مورد عنایت است. پیامبر اکرم می‌فرمودند: «بَلِّغُوا عَنِّي و لَوْ آيَه»

۲-۱-۱۳- طبیعت چند پایه‌ای کلاس آموزش قرآن

این پدیده بسیار خوبی است که یک کلاس چند پایه داشته باشد و قرآن آموزان همه در یک سطح مساوی و در حال فراگیری یک سوره مشخص نباشند؛ چرا که در این نظام این حدیث یک اصل است که «خَيْرَكُم مَن تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلِمَهُ» یعنی هر کس به مجرد اینکه قسمتی از قرآن را فراگرفت بلافاصله معلم قرآن در آن قسمت است و به این ترتیب یک «دوره تربیت معلم قرآن» هم خود به خود در این طرح تعبیه شده است.

۲-۱-۱۴- آموزش «ترجمه» و «مفاهیم»

وقتی ما با یک روش آموزشی صحیح و مطمئن توانستیم آموزش «زبان» را به درستی انجام بدهیم مفاهیم قرآن نیز عملاً در اختیار قرآن آموزان است، و دیگر نیازی به آموزش جداگانه مفاهیم و ترجمه نیست. اگر روش آموزش درست باشد، خود به خود فرد به مرحله درک مفاهیم خواهد رسید. با «آموزش ترجمه‌ای» که اساساً در تخصص آموزش زبان مردود است، راه پربرکت تدبر مسدود می‌گردد.

۲-۱-۱۵- زبان قرآن

زبان قرآن، زبان عربی مبین است، نه عربی معمولی. «زبان عربی مبین» مرکز همه زبان‌های دنیاست و ارتباط و فاصله آن با زبان‌های دیگر همانند مرکز دایره با هر نقطه‌ای روی محیط دایره یکسان است. در عین حال، این «لسان مبین» جامه عربی در بر کرده است. این در حالی است که می‌توانسته است هر جامه دیگری اعم از انگلیسی، عربی، فارسی، ترکی و... بر تن بپوشد؛ و جامه هر کدام از این زبان‌ها را نیز اگر می‌پوشید به هیچ وجه به آن زبان خاص «نزدیک‌تر» نمی‌شد، به این معنا که از زبان‌های دیگر فاصله بگیرد.

۲-۱-۱۶- «تلاوت» و تفاوت آن با «قرائت»

در قرآن کریم هم «قرائت» داریم و هم «تلاوت». آنچه مسلم است تلاوت قیودی اضافه بر قرائت دارد، و چون تلاوت مقید به قیودی است هرگاه «قرائت» هم مطرح می‌شود قرائت مطلوب یعنی تلاوت منظور است. از جمله قیود تلاوت، یکی تدبیر است دیگری دوباره خوانی و بازخوانی.

۲-۱-۱۷- سواد قرآنی

در کلاس آموزش قرآن بی‌سواد اصطلاحی و باسواد اصطلاحی کنار هم می‌نشینند و از همان اول مارک و مهر بی‌سوادی از بی‌سوادان برگرفته می‌شود و دیده می‌شود که در کنار هم پیش می‌روند و یکسان آموزش می‌بینند. حتی همین بی‌سوادان تا آنجا پیش می‌روند که به انگیزه نگارش قرآن هم می‌رسند و در پرتو برکات طرح جامع هم قرآن می‌خوانند و هم قرآن می‌نویسند و هم به تدریج چیزهای دیگر را نیز می‌خوانند و می‌نویسند. نکته‌ای که باید مورد دقت قرار گیرد، این است که تأکید قرآن کریم بر «اقرأ» می‌باشد نه بر «اُکتُب».

۲-۱-۱۸- «استباق» نه مسابقه

یکی از مسائلی که در این طرح تعلیم قرآن ملحوظ است، گروه‌بندی قرآن‌آموزان و ایجاد نوعی رقابت در بین آن‌هاست. البته نه رقابتی که در مسابقات معمول و مطرح است و نفرات برتر مشخص می‌شوند، بلکه رقابتی که مصداق است و افراد در واقع به جای مسابقه نوعی مانور انجام (فاستبقوا الخیرات) می‌دهند و همه برنده‌اند.

۲-۱-۱۹- «تیسیر» نه تشویق

مربی قرآن باید به جای تشویق، همان‌طور که قرآن می‌فرماید امر تعلیم اگر مربی بتواند تعلیم قرآن را با قرآن را «تیسیر» کند: ﴿وَنيسرك لليسرى﴾. «تیسیر» انجام دهد و موانع و

سختی‌های کار را از سر راه مستعلم قرآن بردارد، خود «تعلیم» به معنای «عالم گردانیدن» باعث دلگرمی فراوان قرآن آموز به کار آموزش زبان قرآن آموزش می‌گردد و این خود بهترین و مؤثرترین تشویق است.

۲-۱-۲۰- علائم وقف و اهمیت وقف

یکی از مسائل بسیار مهم در کار تعلیم قرآن کریم «حفظ الوقوف» می‌باشد. وقوف در تعلیم و تلاوت قرآن از آن چنان جایگاه مهمی برخوردار هستند که صحابه در این مورد گفته‌اند: «كُنَّا نَتَعَلَّمُ الْوُقُوفَ كَمَا نَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ». در سیره پیامبر اکرم به این مسئله کاملاً اهمیت داده می‌شده است. این مسئله به صحابه هم انتقال یافته بود و در مسیر آموزش قرآن وقوف قرآنی را همواره دقیقاً آموزش می‌دادند. اولین مطلب درباره وقوف این است که مطابق سنت قطعی پیامبر اکرم هیچ آیه‌ای به آیه دیگر وصل نمی‌شود؛ چنانکه حضرت ام سلمه ۳ قرائت پیامبر را چنین توصیف می‌کنند که پس از هر آیه کاملاً مکث می‌فرمودند.

۲-۱-۲۱- تفاوت مقام تلاوت با مقام آموزش

در این نظام بین مقام تلاوت و مقام آموزش تفاوت وجود دارد و نباید در هم آمیخته گردند. به عنوان مثال در مقام تلاوت کسی حق ندارد سوره‌ها را در هم آمیزد یا سوره مثلاً سه آیه‌ای را کم و زیاد کند یا آیات و عبارات یک سوره را به صورتی در هم ریخته تلاوت کند، ولی در مقام تمرین تعلیمی یا تعلیمی برعکس باید چنین کارهایی را انجام داد. زیرا، تا وقتی که گوش و دل و زبان انسان این آیات و سوره‌ها را در هم نیامیزد، آموزش به نحو احسن و حسن انجام نمی‌گیرد.

۲-۱-۲۲- ارزیابی کارهای ترویجی معمول

الگوهای رایج آموزش و ترویج قرآن در جوامع اسلامی در عصر حاضر تفاوت‌های تعیین کننده متعددی با الگوهای لازم الاتباع اسوه حسنه دارد. تربیت حافظ قرآن، قاری بین‌المللی و قهرمان مسابقات سراسری مطابق سنت پیامبر نیست. آیا مفاد و مقصود حدیث شریف نبوی «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيهَ وَحَلِيهَ الْقُرْآنِ كَشِدَارِ الْحَسَنِ» (بحارالانوار، ۱۹۰/۹۲) ادا کردن افراطی کلمات، فریاد کشیدن هنگام تلاوت قرآن و شکلک درآوردن و امثال این‌ها می‌تواند بوده باشد؟ «صوت حسن» در نظام تعلیم و ترویج قرآن در اسوه حسنه پیامبر اکرم چنین معنایی ندارد. مطابق این اصل قطعاً منظور از «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ» (کنز العمال حدیث شماره ۲۷۶۵) صوت و لحن و تحریر و ترجیع و نغمات گوناگون نیست. یعنی هر کس با صوت زیبای خودش -نه با صوت زیبای دیگران- قرآن را تلاوت کند.

۲-۱-۲۳- موضوعیت خواندن قرآن با صدای بلند

(آخرین نکته در قرائت قرآن و آموزش آن، این است که بلند کردن صدا و با صدای بلند خواندن قرآن در هنگام تلاوت قرآن، خود موضوعیت دارد و آثار بنیادی به همراه دارد. در عین حال تعظیم شعائر نیز می‌باشد. بنابراین، این نکته باید در جلسات و در کلاس‌های تعلیم قرآن مراعات گردد و همواره تذکر داده شود که آیات و سوره‌ها همواره به طور مقطع و با صدای بلند و روشن و رسا خوانده شوند.)

۲-۲- فصل دوم کتاب تحت عنوان مقاطع پنج گانه آموزش زبان قرآن

در «أسوه حسنه» دوره آموزش قرآن کریم شامل پنج مقطع می‌باشد که مقطع اول از سوره ناس شروع می‌شود و نهایتاً مقطع پنجم با اتمام سوره قاف به پایان می‌رسد. از آنجا که هدف این دوره آموزش زبان قرآن است. در هر مقطع یک یا چند عامل آموزش زبانی به روند آموزش زبان قرآن افزوده می‌شود و جریان می‌یابد که البته این افزوده‌ها چیزی جز استماع و تلاوت آیات قرآن در جلسه یا کلاس آموزش قرآن نیست و انواع تمرین‌های مربوط به هر کدام از عوامل آموزشی اعم از انواع تصریف، یافتن محور موضوعی برای سوره‌ها، رونویسی قرآن، نگارش قرآن، املا قرآن، انشای قرآن و... متمرکز بر خود قرآن و تلاوت آیات آن می‌باشد. نکته مهم در این رابطه این است که با توجه به اینکه هر مقطع دارای عامل یا عوامل جدید آموزشی مربوط به خود است باید توجه داشت که عوامل آموزشی هر مقطع با شروع مقطع بعدی از صحنه کنار نمی‌رود، بلکه مثلاً فصل اول هر آنچه به عنوان عامل آموزش در مقطع اول مطرح گردید و تمرین‌های آن انجام شد در مقطع دوم هم استمرار می‌یابد و همچنان تا مقطع پنجم پیگیری می‌شود. در خاتمه کتاب می‌خوانیم: وقتی کسی حزب مفصل را با همه این مراحل مذکور طی کرد، می‌تواند با همین زبان قرآن که آموخته است به راحتی با کل قرآن ارتباط برقرار کند و هرچه بیشتر با این زبان کار کند قوی‌تر می‌شود و فهم و انس وی بیشتر عمیق یافته و تا بی‌نهایت پیش می‌رود. به این ترتیب، حزب مفصل نیز تمام شده است و دوره آموزشی زبان قرآن به فصل باردهی و چیدن میوه و ثمره آن می‌رسد. قرآن دانانی که از این دوره فارغ التحصیل می‌شوند قدرت هدایت جامعه را به وسیله این میراث عظیم و مجید دارند و حاملان لوای ترویج و نشر فرهنگ قرآنی در جامعه هستند و به قول قرآن در آخرین آیه متن آموزشی و آخرین آیه سوره قاف: ﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾

۲-۳- نقد و بررسی طرح نظریه آموزش زبان قرآن

ما در این قسمت از مقاله مطالب، فرضیات و مبانی نظری فوق را - در حد فرصت و

مجال مقاله- از منظر آموزش زبان‌های خارجی ارزیابی خواهیم کرد تا جایگاه این نظریه به خوبی شناخته شود. ابتدا جنبه‌های مثبت سپس نواقص و کاستی‌های آن را بیان خواهیم کرد.

۲-۳-۱- جنبه‌های مثبت نظریه آموزش زبان قرآن

۱- قبل از هر چیز باید یادآور شویم آنچه در این کتاب آمده است به معنای علمی کلمه نظریه است و صرفاً نظر و دیدگاه نیست به این معنا که واقعیت و طبیعت آموزش زبان قرآن را به صورت اندیشمندانه، منطقی و مستدل و در قالب مبانی نظری مشخص و درسنامه بیان کرده است که تفاوت بنیادین با روش‌های رایج آموزش قرآن کریم در ایران دارد مطالعه اجمالی کتاب ۱۳۶ صفحه‌ای تحت عنوان (آموزش زبان قرآن: روش شناسی، کتاب معلم، طرح درس، خود آموز) و مطالعه مطالب بالا در معرفی کتاب یاد شده مبین این مطلب است.

۲- مؤلف اندیشمند و دانشمند این نظریه با پشتوانه معرفتی و مطالعات تخصصی ممتد و متمادی در حوزه علوم قرآن و آموزش قرآن دست به قلم برده است لذا بیان ایشان در شرح و تفصیل این نظریه با استحکام و استدلال علمی ستودنی همراه است به طوری که در بیان آسیب‌های روش‌های سنتی و لزوم جایگزینی روش جدید به جای آنها هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد و این شفافیت و استحکام در بیان باعث می‌شود نقد و ارزیابی آن به سهولت انجام پذیرد.

۳- در این طرح و نظریه برنامه‌ریزی درسی (تهیه و تدوین مواد آموزشی و کتاب درسی)، الگوی تدریس و شیوه ارزیابی که سه محور اصلی در امر زبان آموزی و آموزش زبان به حساب می‌آیند وجود دارد هر چند کاستی‌هایی دارد که در بخش بعدی مورد اشاره قرار خواهیم داد.

۴- آنچه این روش را از تمام روش‌های رایج در آموزش قرآن متفاوت و متمایز می‌کند تأکید و تکیه بر آغاز آموزش زبان قرآن - نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر- امری که تمام نظریه‌های نوین آموزش زبان که تعداد آنها بیش از چهل نظریه است بر آن تأکید می‌کنند اما هر نظریه‌ای با مبانی خاص خود آن را اعمال می‌کنند. اما روش‌های سنتی آموزش زبان که به روش‌های دستوری- ترجمه‌ای معروف و موسوم هستند آموزش زبان را از خود زبان شروع نمی‌کنند بلکه با آموزش دستور و ترجمه زبان مقصد شروع می‌کنند که ویژگی‌های این روش در جدول پیوست خواهد آمد.

۵- در این روش سن آموزش زبان قرآن، سنین کودکی معرفی شده است که حدود ۱۲ سالگی است طبق تحقیقات زبان شناسان بهترین سن برای یادگیری زبان دوم همین سنین معرفی شده است تا زبان آموز بتواند آن را به مانند زبان مادری فراگیرد.

۶- یکی دیگر از ویژگی‌های این طرح و نظریه این است که تأکید بر تقدم روش گوشه- زبانی (سمعی یا شفاهی) می‌کند امری که مورد اتفاق نظر علمای روان شناسی و زبان

شناسی است، در نظر اینان زبان قبل از هر چیز یک پدیده شفاهی است بنا بر این شیوه‌های آموزش آن نیز باید بر این اساس طراحی و برنامه‌ریزی شود. (رجوع شود به مقاله توظیف القرآن فی تدریس اللغة العربیه (مهاره الاستماع نمودجا)، خلیل پروینی و همکاران). در قرآن کریم هم اهمیت قوه سامعه و تقدم آن بر قوه باصره مورد تأکید جدی واقع شده است بنابراین هم در آموزش قرآن و هم در آموزش هر زبان دیگر طراحی و برنامه‌ریزی درسی بر اساس تقدم سمع بر بصر باید لحاظ شود. (برای تفصیل بیشتر در باره اهمیت شنوایی در آموزش زبان قرآن، رجوع شود به خوش منش ابوالفضل، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

۷- یکی از نکات برجسته در این نظریه این است متن درسی دوره آموزش زبان قرآن مشخص شده است و آن عبارت است از ۶۵ سوره آخر قرآن کریم که از سوره ناس شروع می‌شود و به سوره قاف به پایان می‌رسد (حزب مفصل) این در حالی است که در اغلب روش‌های سنتی و رایج، آموزش قرآن از سراسر متن قرآنی صورت می‌گیرد مولف معتقد است قرآن آموز با یادگیری این سوره‌ها زبان قرآن را یاد می‌گیرد. به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های زبانی، ساختاری، وحدت موضوعی - که اغلب سوره‌ها دارند- و کوتاهی که دارند و اغلب قریب به اتفاق آنها در مکه نازل شده و حاوی اصول معارف اسلامی هستند برای آغاز آموزش زبان قرآن -آن هم از طریق سمع و زبان- بسیار مناسب‌تر از سوره‌های بلند باشند، زیرا اگر آموزش قرآن با سوره‌های بلند آغاز می‌شد نو آموز قرآنی احساس پیشرفت در کارش نمی‌کند بلند بودن آیات، تقطیع ناپذیری آنها در مقایسه با سوره‌های مکی، تنوع موضوعات و بلند بودن سوره‌ها مانع تسهیل فرایند یادگیری قرآن می‌شوند این امری است که تجربه هم آن را تایید می‌کند. جالب‌تر اینکه در آموزش زبان‌های خارجی همیشه انتخاب جملات کوتاه و نیز متون ادبی و داستانی کوتاه و ساده اولویت دارند.

۸- اینکه گفته شده است استفاده از نسخه مکتوب قرآن، از سوره ۱۸ از آخر قرآن (سوره علق که با اقرا شروع می‌شود) است سخنی درست و علمی به نظر می‌رسد چراکه سوره‌ها کم‌کم بزرگ‌تر می‌شوند و سطح سواد متعلم قرآن بیشتر می‌شود لذا مراجعه به متن قرآن در کنار استمرار روش گوش‌ی زبانی مفید می‌تواند باشد

۹- تأکید بر عدم تصحیح مستقیم اشتباهات قرآن آموز در مرحله یادگیری زبان قرآن و اجازه دادن به او تا از طریق استماع مکرر به قرائت صحیح معلم به خود تصحیحی برسد (AUTOCORRECTIF) مورد تایید نتایج تحقیقات روان‌شناسی یادگیری و اصول زبان آموزی نوین است این همان تیسیر و تسهیل مورد نظر قرآن است که فرموده است: ﴿وَلَقَدْ يَسِّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ (قمر/۱۷)

۱۰- اینکه گفته می‌شود در نظام آموزشی زبان قرآن اصل بر کیفیت است نه کمیت سخنی درست است و با اصول و مبانی نوین زبان آموزی سازگار است با این تفاوت که در نظام‌های آموزشی جدید برای هر جلسه - با در نظر گرفتن امکانات و توانایی‌های زبان

آموزان- موضوعات و مطالب مشخصی را تعیین و تحدید می‌کنند که باید آموخته شود حال سوال اینجاست که آیا با توجه به شرایط حاکم بر زمان پیامبر اکرم این اصل رعایت می‌شده است؟

۱۱- یکی از ابتکارات این طرح و نظریه چند پایه‌ای کردن کلاس‌های آموزش زبان قرآن است که با مبانی روان‌شناسی تربیتی و زبان‌آموزی جدید سازگار است به ویژه اینکه قرآن آموز پس از یادگیری بخشی و سطحی از قرآن، خود معلم دیگران هم می‌شود حدیث «خیرکم من تعلم القرآن و علمه» ناظر به این مساله است به نظر می‌رسد این اصل آن‌طور که باید و شاید در الگوهای تدریس نوین اجرا نمی‌شود لذا می‌تواند الهام بخش دپارتمان‌های زبان باشد تا فرایندی و سیستمی را تدارک بینند که زبان آموز در دوران تعلم، تعلیم هم بدهد.

۱۲- درباره زبان عربی قرآن نظرات مختلفی داده شده است اما آنچه از تصریح آیات و روایات برمی‌آید این زبان، عربی مبین است یعنی به طرق مختلف و با برخورداری از سبک ویژه تصریف (بیان و تبیین موضوع واحد به اشکال و اسالیب مختلف و در سوره‌های متعدد) باعث شده است یادگیری و یاد دهی زبان آن سهل و آسان باشد چراکه همه چیز در آن هماهنگ است و هارمونی دارد. (درباره سبک تصریف بیانی در قرآن رجوع شود به خلیل پروینی، رویکردی نو به اعجاز ادبی قرآن، ۵۸ و ۵۹)

۱۳- تأکید بر تلاوت و اکتفا نکردن بر قرائت یعنی دوباره و بازخوانی مطالب خواننده شده به همراه تدبر امری است که فرآیند آموزش زبان قرآن را تسهیل کرده، آن را قرین احساس لذت و پیشرفت از سوی متعلم می‌کند و اینجاست که به تدریج و به طور ناخواسته مفاهیم قرآن در ذهن و ضمیر او نفوذ می‌کند اما اینکه در این طرح و نظریه تأکید شده است بر اینکه در این مرحله اصلاً مفاهیم و ترجمه یاد داده نشود جای نقد و بررسی دارد که در بخش کاستی‌ها به آن اشاره خواهیم کرد.

۱۴- یکی دیگر از امتیازات این طرح اهمیت دادن به علائم وقف در مرحله آموزش زبان قرآن است به این معنا که امر آموزش زبان را تسهیل می‌کند و زمینه را برای تدبر در معانی آیات آماده می‌کند این مطلب غیر از فراگیری علم تجوید است که جزئیات زیادی دارد که یادگیری آن قبل از آموزش زبان قرآن به روش سمعی کلامی ضرورت ندارد.

آنچه گفته شد امتیازات و ابتکارات این طرح است که آچنان که باید و شاید در محافل آموزش قرآن مورد توجه قرار نگرفته است البته این سخن به معنای این نیست که این طرح و نظریه نواقص و کاستی‌هایی ندارد که برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۳-۲- کاستی‌های این طرح

۱- با مطالعه این کتاب که جزئیات مبانی نظری طرح به همراه بخش‌هایی از مسائل کاربردی در آن مطرح شده است هیچ ارجاعی به هیچ یک از نظریات روان‌شناسی تربیتی

و نظریات آموزش زبان نشده است این در حالی است که چندین بار در جاهای مختلف کتاب و در گفت‌وگوهایی که با خود استاد لسانی صورت گرفته است ادعا شده است که مبانی نظری طرح آموزش زبان قرآن با آخرین نظریات روان‌شناسی تربیتی و زبان‌شناسی سازگار است. ما در حوزه آموزش زبان به طور کلی و آموزش زبان‌های دوم به طور خاص و الگوهای تدریس مطابق با هر یک از نظریه‌ها بیش از چهل نظریه و الگو وجود دارد که ما در ادامه این مطالب به سی و دو نظریه و الگو که از مهم‌ترین آنها هستند اشاره خواهیم کرد.

۲- از جمله مواردی که جزو کاستی‌های این طرح به حساب می‌آید در سراسر این کتاب میان آموزش زبان قرآن برای غیرعرب‌ها و آموزش آن برای خود عرب‌ها تفاوتی قائل نشده است این در حالی است که امروزه نظریات آموزش زبان و الگوهای تدریس آن میان اینها تفاوت‌های بنیادی و اساسی قائل هستند و حق هم همین است اگر هم گفته می‌شود در الگوی آموزشی پیامبر اکرم همه عرب و غیرعرب - یکسان آموزش می‌دیدند به فرض صحت استنادات تاریخی و روایی آن، باید شرایط و امکانات حاکم بر آن زمان را در نظر داشته باشیم و نیز اینکه اغلب مسلمانان پیرامون پیامبر اکرم عرب بودند اگر هم تعداد محدودی غیرعرب مانند سلمان فارسی، صهیب رومی، بلال حبشی و دیگران بودند اینان نیز به دلیل همزیستی با عرب‌ها و در محیط کاملاً عربی، غربت زدایی اولیه را با زبان عربی و عرب‌ها را پیدا کرده بودند و یادگیری عربی قرآن و نظام زبانی و آوایی آن برای آنها سهل و آسان شده بود از طرف دیگر به فرض اینکه این‌گونه نبود مگر پیامبر اکرم فرصت و امکانات دو گونه آموزش قرآن را داشت یکی برای عرب‌ها و دیگری برای غیرعرب‌ها، در هر حال همه مجبور بودند یاد بگیرند.

۳- در راستا و در ادامه بند بالا، اشکال دیگر یکسان دانستن باسواد و بی‌سواد در آموزش زبان قرآن است که اثبات این فرضیه اگر نگوئیم مجال است حداقل بسیار سخت است.

۴- اشکال چهارم این است که بارها تأکید می‌شود یاد دادن هر آنچه خارج از قرآن است از جمله تجوید، ترتیل، لحن و حتی ترجمه و مفاهیم مضر است به نظر می‌رسد اگر ما مضر بودن تجوید، ترتیل لحن و مانند آن را بپذیریم پذیرفتن ضرر آموزش ترجمه و مفاهیم سخت است زیرا تجربه نشان داده است استفاده اندک و تدریجی و غیرمستقیم از مفاهیم و ترجمه در آموزش زبان دوم برای مبتدیان کمک می‌کند در آموزش زبان قرآن نیز این تجربه موفق مشاهده شده است.

۵- در امر آموزش به طور اعم و در آموزش زبان به طور عام و در امر آموزش زبان قرآن به طور خاص اگر مقتضیات زمان و حالات روحی و روانی مخاطبین در نظر گرفته نشود فرایند آموزش دچار ایستایی خواهد شد از جمله اینکه گفته شود از قرآن آموز تکلیف نباید خواست، در حالیکه در نظریات جدید تکلیف و تمرین خواستن جزو ضروریات آموزش است که البته نحوه تلکیف خواستن و میزان و دفعات آن باید متناسب با روان‌شناسی

تربیتی فراگیران باید باشد اما اینکه بگوییم مطلق تکلیف در این مرحله مضر است و یا اینکه تکلیف خواستن را به این آیه از قرآن استناد کنیم: ﴿قل ما استلکم علیه من اجر و ما انا من المتکلفین﴾ (ص ۸۶) صحیح نیست چرا که متکلفین از باب تفعل با مکلفین از باب تفعیل کاملاً متفاوت است و مراجعه به تفاسیر این حقیقت را روشن می‌سازد.

۶- در راستای بند بالا تشویق کردن به قرآن آموزی با تیسیر شیوه‌های قرآن آموزی مانعه الجمع نیستند چنانکه استباق با مسابقه قابل جمع هستند مادامیکه هدف آموزش و یادگیری قرآن باشد و انس با آن باشد آری بت‌سازی از مسابقات قرآن و توخالی کردن آنها از انس واقعی با قرآن و یا رتبه‌بندی‌های مادی از اسب‌های روش‌های رایج هست که استاد به خوبی متوجه آن بوده و تذکرات لازم را داده‌اند.

۷- تأکید بیش از حد بر عدم استفاده از بصر در آموزش زبان قرآن و ارجاع دادن آن به الگوی حسنه پیامبر اکرم در آموزش خالی از اشکال نیست چراکه فرهنگ حاکم بر امر آموزش در آن دوران فرهنگ شفاهی و روایت و نقل سینه به سینه بود اگر امر کتابت گسترش یافته بود و اگر فرهنگ سواد کتابت عمومی شده بود مطمئناً پیامبر اکرم در آموزش قرآن در کنار استفاده از سماع و کلام توصیه به استفاده از بصر هم می‌کردند هر چند همان‌گونه قبلاً گفته شد امروزه تقدم استفاده از روش سمعی زبانی در آموزش زبان اثبات شده است اما نه به معنای اینکه نباید در این مرحله از بصر استفاده کرد مراجعه به الگوهای تدریس که در بخش بعدی می‌آید این حقیقت را روشن می‌سازد.

۸- روایاتی مانند تعلموا العربیه فانها کلام الله الذی انزل به کلامه با برخی از مبانی این کتاب ناسازوار است چراکه روایاتی این‌گونه عربی آموزی را مقدمه قرآن آموزی می‌داند در حالیکه این طرح و نظریه قرآن آموزی را بدون عربی یاد گرفتن میسر و ممکن می‌داند ابهام و تناقضی که باید با تحقیق علمی و عملی برطرف شود.

در ادامه به علت پرهیز از اطاله کلام جدولی از نظریات آموزش زبان به همراه الگوهای تدریس تهیه و تدوین شده است تا خوانندگان این مقاله در نقد و بررسی نظریه دکتر لسانی و میزان هماهنگی آن با نظریات یاد شده به مقایسه بپردازند و بدین سان راه برای نقدهای علمی بهتر هموارتر گردد.

۲-۴- مهم‌ترین نظریه‌های آموزش زبان و الگوهای تدریس آن

جدول زیر از مطالعه چندین منبع درحوزه آموزش زبان استخراج و تنظیم شده است که در فهرست منابع آمده است، از قرن نوزدهم تاکنون ده‌ها نظریه در حوزه آموزش زبان ارائه شده است که ما در جدول زیر نام سی و دو نظریه و الگوی تدریس معروف و مشهور را آوردیم. هدف از آوردن این جدول این است که ما بدانیم در امر آموزش زبان قرآن کریم چگونه می‌توان از دستاوردهای نوین علمی بشری در حوزه زبان شناسی و آموزش زبان

استفاده کرد و آیا طرح و نظریه دکتر لسانی از نظریات مذکور استفاده کرده است یا نه.

۲-۴-۱- انواع نظریه‌ها و الگوهای آموزش و تدریس زبان

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>برای تدریس زبان‌های کلاسیک مانند لاتین و یونانی برای یادگیری متون ادبی، تأکید بر دستور زبان مقصد و تلفظ واژه‌های ناآشنا، ترجیح متون ادبی و نوشتاری بر گفتاری، ترجمه از زبان مقصد به مبدا، صحبت درباره‌ی زبان، حفظ صیغگان، الگوها و واژگان زبان مقصد</p>	<p>۱ روش دستور-ترجمه یا کلاسیک Grammar- Translation (Method (GTM Classic Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>ایجاد محیطی طبیعی زبان آموزی در کلاس، یادگیری زبان مشابه فراگیری زبان مادری، عدم استفاده از ترجمه یا زبان مبدا در کلاس، توجه به جنبه‌های ارتباطی و تشویق زبان آموز برای برقراری ارتباط و تعامل در زبان مقصد، تقویت مهارت نوشتاری، آموزش تفکر به زبان مقصد، تأکید بر گفتار و مهارت گفتاری</p>	<p>۲ روش مستقیم Direct Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>متاثر از مکتب زبان شناسی ساختگرا و روان شناسی رفتارگرا، تأکید بر تکرار و تمرین الگوهای زبان مقصد، تلفظ صحیح و تولید جملات بدون اشتباه، تکرار ساختارها و تمرین الگوها، یادگیری مبتنی بر ایجاد عادت، خلق عادات جدید و توفیق بر عادات قدیمی، یادگیری و آموزش صورت‌های نوشتاری و گفتاری بر مبنای شرطی شدگی، تقدم آموزش ساختارهای دستوری بر واژگان</p>	<p>۳ روش گوشه‌زبانی روش ارتش Audio-lingual Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>ابداع کالب گاتگنو (Caleb Gattegno) در دهه ۵۰ میلادی، دارای زیرساخت‌های اومانستی، متاثر از روان شناسی شناختی و نظریه گشتاری، یادگیری خلاقانه به جای عادت، سکوت نوعی ابزار برای خلاقیت و استقلال زبان آموز، مشارکت بیشتر زبان آموزان و یادگیری گروهی، هدف اصلی بیان افکار، عقاید، و احساسات توسط زبان آموزان و ارتقای اعتماد به نفس آنان</p>	<p>۴ روش سکوت Silent Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>سرعت یادگیری را می‌توان افزایش داد اگر موانع روان شناختی را از بین ببریم، مغز انسان می‌تواند مقدار بیشتری از اطلاعات را پردازش کند اگر شرایط یادگیری و آرامش کامل مهیا شود، موانع روان شناختی شامل عوامل استرس‌زا همانند ترس، اضطراب و امثال آن، کلاس درس محیطی بسیار آرام و کاملاً برنامه‌ریزی شده هرچند تصنعی، ترجمه از زبان مقصد به زبان مبدا و تشریح دستور زبان و واژگان توسط معلم، برقراری ارتباط از طریق عوامل زبان شناختی و غیر زبان شناختی برقرار می‌گردد، تسهیل جنبه‌های روان شناختی یادگیری، امکانات و تجهیزات برای آموزش، تأکید بر حفظ کردن به جای فراگیری</p>	<p>۵ روش ساجستپدیا Suggestopedia ابتکار جرجی لازانوف GeorgiLazanov</p>

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>معلم در نقش مشاور، توجه به نیازهای روحی روانی دانش آموزان، تشویق به برقراری ارتباط و تسهیل تعامل، تأکید بر این ایجاد یادگیری غیر دفاعی (Non-defensive Learning)، یکی شدن زبان آموز و معلم (Whole Person) و سهیم شدن در احساسات، علایق و افکار یکدیگر، احساس امنیت و حس همکاری و ایجاد محیط فارغ از اضطراب و اصلاح خطاهای زبان آموزان، همزمان معلم محور و زبان آموز محور، افزایش همکاری و مشارکت و دوری از تنش، تأکید بسیار بر مهارت گفتاری نوشتاری مولفه‌های روش: امنیت، مشارکت، توجه، تفکر، یادسپاری، دسته‌بندی</p>	<p>۶ روش مشاوره گروهی Community Language Learning ابتکار چارلز، آ، کوران Charles. A. Curan</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>مبتنی بر ارتباط فیزیکی، احساس راحتی زبان آموزان و تأکید بسیار بر مهارت شنیداری و عملی، نقش دانش آموز در ابتدا سکوت و پیروی از فرمان‌های ساده به زبان دوم، هدف مرتبط کردن فعالیت‌های عملی با کاربرد معنادار زبان به عنوان راهی برای القای مفاهیم، برگرفته از دیدگاه درک مطلب (Comprehension Approach) در زبان دوم و تأکید بسیار بر مهارت شنیداری، مبتنی برای فرضیه فراگیری زبان در کودکان، صدور دستور از معلم و اجرای همزمان توسط زبان آموز (مثلا بلند شوید، بشینید)، زبان آموز مقلد معلم</p>	<p>۷ روش پاسخ کاملا عملی Total Physical Response (TPR)</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>هدف تقویت توانش ارتباطی زبان آموز، آگاهی از کاربرد (Function) و شکل زبانی (Linguistic Form) از اصول اساسی و مهم، معلم در نقش تسهیل کننده، ایجاد موقعیتی برای برقراری، زبان به مثابه سیستم بیان مفهوم، کاربرد و تعامل، استفاده مناسب از گونه‌های زبان عنصر اساسی ارتباط، ایجاد توانش ارتباطی و درک بافت موقعیتی، تأکید بر محتوا نه بر صورت، عدم تأکید بر دستور، تأکید بر کاربرد شناختی و موقعیتی، آموزش دستور از طریق کارکردهای زبانی به صورت استقرائی، مبتنی بر فعالیت‌های واقعی</p>	<p>۸ روش ارتباطی Communicative Language Teaching (CLT)</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>برای آموزش زبان با زبان دوم و محیط دوزبانه، هدف اصلی نیل به سطح بالایی از تسلط در مهارت‌های شفاهی، شنیداری، خواندن و نوشتن، یادگیری زبان دوم در کنار زبان مادری، غرقه سازی کامل: تدریس تمامی دروس حتی ورزش نیز به زبان دوم، روش غرقه سازی ناقص: تدریس نیمی به زبان اول و نیم دیگر به زبان دوم، غرقه سازی کامل بیشتر برای زبان خارجه (EFL) و روش غرقه سازی ناقص برای زبان دوم (ESL).</p>	<p>۹ روش غرقه سازی Immersion Method</p>

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>ارائه مفاهیم به طور شفاهی از طرف معلم، گوش کردن و یادداشت برداشتن از طرف شاگردان، مناسب کلاس‌های پرجمعیت، مناسب مهارت شنیداری گسترده، آمادگی درباره موضوع، سازماندهی مطالب (حسن مطلع، درآمد، متن، حسن ختام)، مخاطب شناسی (علائق، سلايق، نیازها، سن، جنس، وضعیت اجتماعی)، ترغیب و اقناع، گزیده کلام (Sound bite)، آگاهی به ارایه به جای مطالب (Sign post)، مهارت‌های تداعی و فروریزی، اسلوب حکیم و...</p>	<p>۱۰ روش سخنرانی Lecturing Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>گفتگویی سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان در بحث، قابل اجرا برای کلاسی بین ۶ تا ۲۰ نفر، ایجاد فرصت برای ابراز و تبادل نظرها، عقاید و تجربیات، برای موضوعات جدلی: قیاسی یا استقرایی، ایجاد علاقه مثلاً با طرح سوال، پخش یک فیلم و ...، معرفی منابع مفید به فراگیران هدایت بحث توسط معلم، ایجاد علاقه و آگاهی مشترک در زمینه خاص، تفکر انتقادی و انتقاد پذیری، توانایی اظهارنظر در جمع، تقویت توانایی مدیریت و رهبری در گروه، تقویت قدرت بیان و استدلال، تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری</p>	<p>۱۱ روش بحث گروهی Group Discussion Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>شاگرد محوری و رشد استقلال، توجه به تفاوت‌های فردی، عادت به مطالعه و یادگیری مهارت‌های آن، یادگیری تا حد تسلط، توجه به زمینه‌ها، علایق و توانایی‌های شخصی شاگردان، تجهیز معلم به ابزار تقویت کننده مثبت، جلسات کوتاه مدت برای دوری از خستگی، ایجاد تفریح و تنوع برای دانش آموزان</p>	<p>۱۲ روش آموزش انفرادی Individual Teaching Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>اندیشیدن به مشکلی و ارایه راه حل، طرح مسأله یا بازنمایی مشکل، گردآوری اطلاعات از منابع معتبر، طبقه‌بندی علمی و صحیح، فرضیه سازی و پیش بینی راه‌حل‌های احتمالی، آزمایش فرضیه، نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد، معلم در نقش راهنما در فرآیند تدریس، ارتباط گروهی دانش آموزان، تقویت روح پژوهش، انتقادگری، نوآوری و خلاقیت، نیاز معلمان قوی و با تجربه و پژوهشگر، تعداد دانش آموزان باید محدود باشد</p>	<p>۱۳ الگوی حل مسأله problem-solving model</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>مزایای عاطفی و اجتماعی، نگرش مثبت به تعاملات اجتماعی، تمرین و فعالیت گروهی، همکاری گروهی و تقسیم کار، مبادله افکار، احساسات و تجربیات، همبستگی مثبت، مسئولیت فردی، تعامل چهره به چهره، مهارت‌های اجتماعی و پردازش گروهی، گروه‌های همگن برای تسلط بر مهارتی خاص و گروه ناهمگن برای تمرین و تبادل نظرات متفاوت</p>	<p>۱۴ یادگیری مشارکتی Cooperative Learning</p>

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>نظام آموزش انفرادی با هماهنگی یادگیری با نیازهای دانش آموزان، تقسیم مواد آموزشی به واحدهایی کوچک با چهارچوب و به صورت گام به گام بر اساس دانش قبلی شاگرد، دارای دو الگو برنامه‌ای خطی پیشرفت گام به گام، گام‌های کوتاه با باز خورد بی‌درنگ دانش آموزان، برنامه شاخه‌ای بر اساس توانایی آنان و فرصت تصحیح اشتباهات توسط، نقش معلم تهیه هدف‌های آموزش، آشنایی با مواد و تجهیزات آموزشی، رسیدگی به فرد فرد شاگردان و ارزشیابی برنامه آموزش</p>	<p>۱۵ آموزش برنامه مدار programmed instruction</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>مانند آموزش برنامه‌ای با این تفاوت که پیشرفت در مطالعه در کنترل ماشین، پیشرفت گام به گام، رایانه در نقش «ماشین آموزش»، آموزش انفرادی منظم عرض و باز خورد فوری، تقویت فوری پاسخ‌ها، سیر منطقی مطالب، پرسش‌های زنجیره‌ای، پاسخ‌ها ثبت می‌گردد، رایانه اطلاعات به صورت غیر کلامی (تصاویر، نمودار و تصاویر متحرک)، عدم وجود بی‌حوصلگی، عصبانیت و ناراحتی در ماشین</p>	<p>۱۶ آموزش به وسیله کامپیوتر Computer Mediated Teaching Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>مربوط ساختن بحث جدید با مباحث پیشین و یادگیری معنادار، تفهیم بیشتر مطالب جدید با مثال و نمونه، توجه به چگونگی کنش و واکنش‌ها، معلم در نقش انتقال دهنده مفاهیم درس و شاگردان دریافت کننده، تسلط معلم بر کلاس و رایانه یک طرف اما شرکت دادن دانش آموزان با طرح پرسش، تمیز مطالب کلی از جزئی توسط معلم، الگوی مناسبی برای دروس نظری، توجه کمتر به نیازها و علایق و توانایی‌های، مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی شاگردان، عدم ارتباط محتوا با زندگی واقعی شاگردان</p>	<p>۱۷ الگوی پیش سازمان دهنده Advanced Organizers Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>مبتنی بر مشاهده و دیدن، یادگیری مهارت‌های خاصی را از طریق دیدن، به کارگیری اشیای واقعی در آموزش، مناسب برای درس‌هایی که جنبه عملی و فنی دارند.</p> <p>مراحل اجرای روش نمایشی</p> <p>- مرحله آمادگی: تعیین هدف و تشخیص امکانات</p> <p>- مرحله توضیح: تبیین هدف، شیوه پاسخ‌گویی به سوالات</p> <p>- مرحله نمایشی: روش صحیح کار و مراحل</p> <p>- مرحله آزمایش و سنجش: بررسی باخورد‌ها</p>	<p>۱۸ روش نمایشی Expository method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>الگوی گانه شامل ۹ مرحله می‌باشد که عبارتند از: جلب توجه، آگاه ساختن یادگیرنده از هدف، تحریک یادآوری پیش نیازهای مربوطه، رایانه محرک فراخوان عملکرد، ارزیابی عملکرد و افزایش یادداری و انتقال.</p>	<p>۱۹ الگوی گانه Gone teaching method</p>

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>مبتنی بر یادگیری اکتشافی استوار، حل مسئله از طریق آزمایش به پژوهش، تجربه درباره مفهومی خاص با به کار بردن وسایل و تجهیزات و مواد خاص، مناسب برای موضوعات علوم تجربی همچنین روان شناسی و سایر علوم انسانی، افزایش کیفیت یادگیری، ارضای حس کنجکاوی و تقویت نیروی اکتشاف و اختراع، پرورش تفکر انتقادی و اعتماد به نفس و رضایت خاطر، نقش معلم هدایت شاگردان و نظارت بر کار، گروه‌بندی شاگردان، تعیین وظایف اعضا، ارائه گزارش توسط شاگردان</p>	<p>۲۰ روش آزمایشی یا آزمایشگاهی Experimental Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>تقویت قدرت خلاقیت، ثبات یادگیری، فرضیه سازی، افزایش تحمل ابهام، تقویت کشش درونی انسان برای درک جهان از طریق گرد آوری وسازماندهی اطلاعات اولیه، کشف مسایل و ارائه راه‌حل، الگویی برای تمیز نمونه‌ها از غیر نمونه-ها و مقایسه آن</p>	<p>۲۱ الگوی تدریس دریافت مفهوم جروم برونر</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>اکتشافی و جستجوی فعالانه با کشف راه‌حل‌ها، مفاهیم و قوانین، مبتنی بر تولید، کنترل و تعمیم، واگذاری نقش اساسی به دانش آموزان، داشتن روحیه کاوشگری برای ایجاد سؤال، طراحی، اجرا، ابداع و به دست آوردن جواب، از پویاترین و کارآمدترین الگوهای تدریس، دارای مراحل ۱- درگیر گردن En- gaging ۲- کاوش ۳- Exploration- توضیف ۴- Explanation- شرح و بسط (گسترش) ۵- Elaboration- ارزشیابی Evaluation دلیل نام‌گذاری الگوی تدریس ساخت گرای به الگوی ۵E، آغاز شدن هر مرحله با حرف E است</p>	<p>۲۲ الگوی تدریس ۵E (بر اساس ساخت گرای) E۵ Teaching Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>این روش توسط الکس اسبورن در سال ۱۹۸۸ از شناخته شده‌ترین شیوه‌های برگزاری جلسات هم فکری و مشاوره، دارای مزایا و ویژگی‌هایی منحصر به فرد، تکنیک برگزاری یک کنفرانس برای کشف راه‌حل مشخصی، امکان جمع‌بندی همه‌ی نظرات، از متداول‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری گروهی، مورد توجه دانشمندان زیادی از جمله: اسبورن، کال، بوچارد، گچکا، دلگ و ... دارای دو اصل و چهار قاعده‌ی اساسی: اصل اول مبتنی بر تنوع نظرات و تفکر قضاوتی، ارزیابی و بررسی نظرات نسبت به مطلب مطرح شده. اصل دوم کمیت فزاینده کیفیت: تعداد پیشنهادات بیشتر راه‌حل بهتر. چهار قاعده اساسی بارش مغزی: ۱= انتقال ممنوع: مهمترین قاعده: بررسی و ارزیابی پیشنهادات در آخر جلسه ۲- اظهار نظر آزاد و بی‌واسطه: جرأت بخشیدن به شرکت کنندگان برای ارائه پیشنهادات ۳- تأکید بر کمیت ۴- تلفیق و بهبود پیشنهادات</p>	<p>۲۳ روش بارش مغزی Brain storming method</p>

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>مربوط به یونان به صورت پرسش و پاسخ، در آیین روش خود هدف آموزشی خاصی نداشت. فقط می‌خواست از انسان‌ها کاوشگران خوبی بسازد. این روش با سیستم‌های آموزشی فعلی که متن مشخصی را برای زمانی محدود تعیین کرده‌اند، سازگار نیست و اگر چه فعالیت ذهنی فراگیر را افزایش می‌دهد، ولی زمان گیر است</p>	<p>۲۴ روش سقراطی (۳۹۹ - ۴۷۰) Socrates Method</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>نوعی آموزش ابتدایی در ایران بوده دارای آزادی سنی، زمانی و فردی، سازگار با زندگی ساده و ابتدایی ناسازگار با آموزش سیستماتیک و نظام‌مند آموزش مطالب عموماً با شعر، زمان بسیاری برای یادگیری، مثال تنوین را چنین آموزش می‌دادند: الف دو زیر آن () و دو زیر آن () و دو پیش آن ()</p>	<p>۲۵ روش مکتب خانه ای Traditional schools' method</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>انتقال مستقیم اطلاعات به فراگیران صورت منسجم و مدون، به ذهن سپردن و یا یادداشت برداری توسط دانش آموزان، عدم وجود پرسش و پاسخ در این روش، صرفه‌جویی در وقت و امکانات آموزشی، ایجاد تمرکز در شاگردان جهت یادداشت برداری و تقویت بیان معلم است، خستگی شاگردان از یکنواختی کلاس، عدم امکان تفکر فراگیران و در نظر نگرفتن تفاوت‌های فردی شاگردان</p>	<p>۲۶ روش توضیحی Explanatory method</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>گام اول - آماده سازی درس: تعیین انتظارات یادگیری گام دوم: ارائه درس شرح مفاهیم و فعالیت‌های لازم برای کسب مهارت گام سوم: شروع فعالیت طبق دستورالعمل‌های معلم گام چهارم: فعالیت‌های تکمیلی، موقعیت و منابع: کتاب درسی، کلاس درس، وسایل مورد نیاز برای یادگیری عکس و تصاویر، آزمایشگاه، طراحی رویکرد به صورت تلفیقی است</p>	<p>۲۷ روش تدریس تسلط یاب: Dominant teaching method</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>گام اول: ارائه تکلیف برای تفکر، هدف درگیری یادگیرندگان با تحلیل و استدلال و حل مسئله، گام دوم: جستجوی پاسخ‌های یادگیرندگان گام سوم: پیوند شناخت یادگیرندگان و موقعیت‌ها، حضور فعالانه معلم، تفکر فعال دانش آموزان، سوالات چالش برانگیز از منابع مختلف در رابطه با درس، دارای رویکرد تلفیقی در طراحی</p>	<p>۲۸ روش تدریس شناختی cognitive instruction</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>دانش آموز در نقش معلم، معلم در نقش هدایت‌گر، ایجاد موقعیت فعال برای یادگیری، گردآوری اطلاعات و انجام تحقیقات توسط دانش آموزان، سنجش دانش، فهم، کاربرد و در سطوح بالاتر تحلیل، ترکیب و ارزیابی</p>	<p>۲۹- روش کنفرانس Conferencing method</p>

<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>گام اول: آماده سازی، گام دوم: نظم دهی: راهنمایی کردن دانش آموزان برای دریافت اطلاعات، پردازش، سازماندهی و انتقال آن، گام سوم: ارزشیابی: مدیریت و رهبری و ایجاد شرایط لازم برای قضاوت درباره‌ی چگونگی یادگیری و میزان دانسته‌ها، معلم بیشترین نقش را دارد و اهداف را مشخص می‌کند، یادگیرندگان را هبری و به سئوالات آنها پاسخ می‌دهد و یادگیرندگان بیشتر دریافت کننده‌ی اطلاعات هستند و نقش چندانی ندارند و ارتباط بین دانش آموزان بسیار ضعیف است</p>	<p>۳۰ پرورش تدریس فرا شناختی Meta cognitive instruction</p>
<p>نوع الگوی تدریس :</p> <p>هدف رشد همدلی با دیگران و بررسی مسایل و واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی در عمل، ایجاد باب افتتاح گفتگو در باره‌ی ارزش‌ها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه، معلم مسئول شروع و هدایت دانش آموزان، حل مسائل میان فردی و آزادی در ابراز عقاید، قابل کاربرد در همه برنامه‌های آموزشی و پرورشی و سنین مختلف، افزایش فهم دانش آموزان</p>	<p>۳۱ روش ایفای نقش Role play method</p>
<p>نوع الگوی تدریس:</p> <p>واگذاری پروژه به دانش آموزان برای تقویت مدیریت، برنامه ریزی و خود کنترلی، انتخاب موضوع با توجه به علاقه، دنبال کردن موضوع به طور فعالانه و به نتیجه رساندن، یادگیر کار به طور منظم و مرحله‌ای، تقویت اعتماد به نفس در دانش آموزان، تقویت همکاری، احساس مسئولیت، انضباط کاری، صبر و تحمل عقاید دیگران، یادگیری مهارت‌های اساسی پژوهش در بهبود و گسترش ارزش‌های اجتماعی</p>	<p>۳۲ روش پروژه ای Project learning method</p>

نتیجه‌گیری

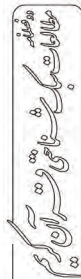
با نگاهی به تحقیقات و نوشته‌های انجام شده در آموزش قرآن درمی‌یابیم که این تحقیقات یا در حوزه آموزش قراءت یا تلاوت قرآن هستند یا در حوزه روان خوانی یا در حوزه تجوید و یا در حوزه درک مفاهیم و ترجمه قرآن کریم. شکی نیست که مؤلفان محترم این کتاب‌ها زحمات زیادی برای تحقیق و نگارش آنها کشیده‌اند و خیل عظیمی از قرآن آموزان با مطالعه این کتاب‌ها و گذراندن دوره‌های آموزشی با این کتاب آسمانی در سطوح مختلف آشنا شده و انس گرفته‌اند اما سوال اساسی اینجاست که کدامیک از این تالیفات براساس مبانی و تئوری‌های آموزش زبان انجام گرفته است؟ آیا اصول و مبانی آموزش زبان دوم رعایت شده است یا نه؟ چه تعداد از مؤلفان محترم این کتاب‌ها در کنار مطالعات قرآنی و غور در متن این کتاب مقدس، مدرک تخصصی آموزش زبان داشته‌اند؟ و سوالاتی از این قبیل که پاسخ‌گویی به اینها قبل از پرداختن به پژوهشی نو و علمی و مبتنی بر نظریه‌های

آموزش زبان لازم است. البته لازم به یاد آوری است که وقتی گفته می‌شود آموزش قرآن براساس تئوری‌های آموزش زبان منظورمان این نیست آموزش قرآن را کاملاً تحت سیطره یک یا چند تئوری قرار دهیم و بس و بعد بگوییم که آموزش قرآن تنها به همین شیوه امکان‌پذیر است، این ادعا حداقل به دو دلیل باطل و ناپذیرفتنی است اولاً قرآن کتابی است که با همه کتاب‌های عالم تفاوت دارد چرا که این کتاب معجزه جاودانه دین اسلام است و دارای سبک‌ها و اسالیب بیانی متنوع و متکثر و نیز دارای نظم و نظام و نسق منحصر به فردی است که باعث شده موافقان و مخالفان از قدیم الایام تاکنون اعتراف کنند که این کتاب در کنار انواع اعجاز دیگر مانند اعجاز تشریحی، علمی، غیبی، معنوی، عددی و غیره، دارای اعجاز بیانی، ادبی و اعجاز در نظم باشد لذا این ویژگی امر آموزش این کتاب را متفاوت با بقیه کتاب‌ها می‌کند ثانیاً انبوه کتاب‌های نوشته شده و لو اینکه اغلب قریب به اتفاق آنها براساس ذوق و سلیقه و تجربه نگاشته شده باشند خواسته و نخواستہ دارای نکات آموزشی و تجارب تعلیمی هستند که هر طرح مدعی نوآوری باید از آنها استفاده کند بلکه منظور از آموزش قرآن براساس تئوری‌های آموزش زبان این است که از این تئوری‌ها در امور و شئون مختلف آموزش زبان مانند برنامه‌ریزی درسی، آماده سازی متون، مهارت‌های زبانی، درک مفاهیم و بالاخره آزمون سازی و ارزشیابی در تدریس قرآن استفاده شود چراکه رشته آموزش زبان ده‌ها سال است که در دانشگاه‌های دنیا دایر بوده و دارای گرایش‌های تخصصی می‌باشد بیش از چهل تئوری و نظریه در آموزش زبان وجود دارد بنابراین در جهانی که تحولات به سرعت و شتاب خیره کننده انجام می‌پذیرد و خوشبختانه ارتباطات هم به سهولت انجام می‌گیرد جفای به قرآن کریم است که متولیان امر آموزش قرآن همچنان به شیوه سلف خود به شیوه سنتی و تجربی و سلیقه‌ای اکتفا کنند و از دستاوردهای نوین و علمی در این زمینه غافل باشند یا خود را خدای ناکرده به تغافل بزنند.

آنچه در ابتدای امر مهم است این است که بدانیم آموزش قرآن به چه هدفی صورت می‌گیرد. شکی نیست که آیات و روایات فراوانی هدف کلی آموزش قرآن را با چشم‌پوشی از نوع و سطح مخاطب - وسیله ارتباطی میان - خدا و مردم و حتی وسیله ارتباطی میان مردم جهت فراگیر ساختن فرهنگ قرآن در سراسر جهان معرفی کرده‌اند در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: ان الله لم ینزله (القرآن) لزمان دون زمان و لا لئناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غض الی یوم القیامه یعنی خداوند متعال قرآن را برای زمان و مردمان خاصی نازل نکرده است بلکه قرآن در هر زمانی و نزد هر قوم و اهل هر زبانی تا روز قیامت طراوت و تازگی دارد. (ابن بابویه، ۱۶۶/۲-۱۶۷)

در میان آثار نگاشته شده درباره آموزش قرآن، طرح آموزش زبان قرآن استاد دکتر لسانی نقطه عطفی در تاریخچه آموزش زبان قرآن در دوران معاصر به حساب می‌آید به نظر بنده اگر این طرح پس از نقد و بررسی و جرح و تعدیل مورد توجه قرار می‌گرفت و در

مراکز آموزش قرآن، مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شد و از متخصصان آموزش زبان و زبان شناسی در بیان ویژگی‌های منحصر به فرد زبان قرآن استفاده می‌شد و در امر آموزش قرآن تنها به معلمان دینی اکتفا نمی‌شد وضعیت آموزش زبان قرآن به مراتب بهتر از الآن بود البته وضعیت نامطلوب آموزش قرآن و عدم رغبت عموم مردم به آن مرهون علل و عوامل متعددی است که این مجال نه رخصت پرداختن به همه آنها را دارد و نه فرصت آن را.



سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- قرآن کریم
- احدیان، محمد و آقازاده، محرم (۱۳۸۲ش): «راهنمای روش‌های نوین تدریس آموزش و کارورزی» تهران: چاپ آبیژ.
- برون، داگلاس (۱۳۸۹ش): «ارزشیابی زبان»، ترجمه علیرضا فرح بخش، تهران: چاپ رهنما.
- پروینسی، خلیل (۱۳۹۵ش): «رویکردی نو بر اعجاز ادبی قرآن کریم»، تهران: مرکز مطالعات فرهنگ و اندیشه دینی.
- _____ (۱۳۸۹ش): «آموزش زبان عربی به روش مستقیم»، مجله جستارهای زبانی، تهران: تربیت مدرس.
- _____ و طارق یار احمدی (۱۴۳۸ق): «توظیف القرآن الکریم فی تدریس اللغه العربیه للطلاب الإيرانيین الدارسین فی فرع اللغه العربیه و آدابها بمرحله البکالوریوس (تدریس مهاره الإستماع نمودجا)»، شیراز: مجله دراسات فی تعلیم اللغه العربیه و تعلمها.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ش): «تفسیر تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوینس، بروس و ... (۱۳۷۲ش): «الگوهای تدریس»، مترجم: محمدرضا بهرنگی، تهران: انتشارات مترجم.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۹۰ش): «حمل قرآن (پژوهشی در روش شناسی، تعلیم و تحفیظ قرآن مجید)»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۹ش): «اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی»، تهران: نشر دوران، ویرایش پنجم.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۵ش): «مهارت‌های آموزشی روش‌ها و فنون تدریس» تهران: انتشارات سمت.
- صدوق، ابی جعفر (۱۳۷۸ش): «عیون اخبار الرضا»، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ اول.
- فرهادی، حسین و همکاران (۱۳۸۴). راهنمای آزمون در زبان انگلیس (نظریه و کاربرد). انتشارات آیین: تهران.
- قطب، سید (۱۹۸۲م): «تفسیر فی ظلال القرآن»، بیروت: دار الشروق.
- لسانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۲ش): «آموزش زبان قرآن»، قم: دفتر انتشارات زینی، چاپ دوم.
- هیتون، ج.ب. (۱۳۸۶ش): «آزمون نویسی زبان انگلیسی»، ترجمه سید جلیل شاهری لنگری و فرشته حاجی زاده، تهران: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰

Bibliography

- Holy Quran
- Ahadian, Mohammad and Aghazadeh, Moharram (2003): Tehran's New Teaching Methods of Teaching and Internship: Aij Edition.
- Bronn, Douglas (2010): "Arzashiabi-e-Khaweh", translated by Alireza Farahbakhsh, Tehran: Rahnama Edition.
- Parvini, Khalil (2016): "A New Approach to the Literary Miracles of the Holy Quran", Tehran: Center for The Study of Religious Culture and Andisheh.
- (2010): "Teaching Arabic directly", Journal of Linguistic Essays, Tehran: Tarbiat Modares.
- And Tariq Yar Ahmadi (1438/1438 CE): "The duty of al-Qur'an al-Qur'an al-Kirim fi taught al-Lagha al-Arabiya Laltalab al-Iraniyin al-Darsin fi Fara Al-Lagha al-Arabiya and manners in the stage of al-Baklurius (Teaching Maharieh al-Istma'a al-Namozja)", Shiraz: Darasat magazine for al-Taqr al-Lagha al-Arabiya and teachings.
- Javadi Amoli, Abdollah (2008): Tafser Tasnim, Qom: Israa Publication Center.
- Joyce, Bruce and... (1993): "O Lego Teaching, Translator: Mohammad Reza Behrangi, Tehran: Translator Publications.
- Khoshmanesh, Abolfazl (2011 OR 2011): "Carrying the Qur'an (A Research in Methodology, Teaching and Distortion of the Holy Quran)," Qom: Seminary Research Institute and University.
- Seif, Aliakbar (2010): "Measurement, Assessment and Educational Evaluation", Tehran: Doran Publications, 5th Edition.
- Shabani, Hassan (2006): "Teaching Skills of Teaching Methods and Techniques" Tehran: Samt Publications.
- Saduq, Abi Ja'far (1999 OR 1999): "Ayoun Akhbar al-Reza", Qom: Sharif Razi Publications, 1st edition.
- Farhadi, Hossein et al. (2005). Test Guide in English (Theory and Application). Ayn Publications: Tehran.
- Qutb, Sayyid (1982): "Tafsir fi Zahl al-Qur'an", Beirut: Dar al-Shorouq.
- Lesani, Mohammad Ali et al. (2013): "Teaching the Language of the Qur'an", Qom: Zaini Publications Office, 2nd edition.
- Heaton, J.B. (2007): "English Language Test writing", translated by Seyed Jalil Shakeri Langari and Fereshteh Hajizadeh, Tehran: Print Organization of Islamic Azad University.



سال پنجم
شماره اول
پیاپی: ۸
بهار و تابستان
۱۴۰۰